

نقدی بر ترجمه سوره بینه از طاهره صفارزاده بر اساس الگوی انسجام

معصومه نعمتی قزوینی*

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۵/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۴)

چکیده

گرچه تاکنون نظریه‌های گوناگونی درباره میزان کارآمدی ترجمه در انتقال مفاهیم به وجود آمده، اما تقریباً روش علمی متقن برای رسیدن به پاسخ دقیق و روشن این سؤال مطرح نشده است. با این حال، به نظر می‌رسد با به‌کارگیری برخی از نظریه‌های جدید در حوزه تحلیل متن بتوان به پاسخ‌هایی درخور دست یافت. نظریه جدید انسجام و پیوستگی هلیدی و حسن (۱۹۸۵م) از جمله روش‌هایی است که به کمک آن می‌توان میزان انسجام و پیوستگی متون و در نتیجه، متنیت آن را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. افزون بر این، با توجه به اهمیت ترجمه در حوزه متون دینی و به‌ویژه قرآن کریم که برخاسته از جایگاه این دسته متون در حوزه اعتقادی و تربیتی است، به نظر می‌رسد بتوان با کاربست این نظریه در متن ترجمه‌های موجود و مقایسه آن با متن اصلی، تا حدودی میزان کارآمدی ترجمه و توفیق مترجم را در انتقال مفاهیم ارزیابی نمود. بر این اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و آماری سوره بینه و ترجمه آن از طاهره صفارزاده را با استفاده از الگوی مذکور مورد بررسی قرار داده است و به این نتیجه رسیده که با توجه به درصد بالای انسجام و شباهت متن مقصد به مبدأ در نحوه کاربست عوامل انسجام، مترجم در انتقال مفاهیم سوره موفق بوده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، سوره بینه، انسجام، زبانشناسی نقش‌گرا، طاهره صفارزاده.

* E-mail: m.n136089@yahoo.com

مقدمه

تا به امروز نظریه‌های متعددی درباره میزان کارآمدی ترجمه در انتقال مفاهیم بیان شده است. بیشتر منتقدان بر این باورند که حتی در صورت مهارت و تسلط بالای مترجم و در نتیجه، بالا بودن سطح کیفی ترجمه، باز هم انتقال مفاهیم به طور کامل صورت نپذیرفته و بخش‌هایی از آن به طور ناخودآگاه مورد غفلت قرار می‌گیرد. با وجود چنین نظریه‌هایی، تاکنون روش منسجم و دقیقی برای ارزیابی میزان توفیق متون ترجمه‌ای مطرح نگردیده است: «تئوری پردازان جدید همگی بر این باورند که ترجمه کار ساده‌ای نیست که بتوان با اندک دانش زبانی، اثر ارزنده‌ای خلق نمود. برای رسیدن به اوج زبانی باید مراحل بسیار دشواری را در هر دو زبان گذراند تا سرانجام به محتوای معنایی و ویژگی‌های زیبایی‌شناختی زبان مورد نظر دست یافت» (شمس‌آبادی، ۱۳۸۰: ۲۹). به‌ویژه آنجا که سخن از متون دینی باشد، به دلیل برخورداری از سندیت شرعی و نیز نقش آن در شکل‌دهی آموزه‌های اعتقادی و تربیتی، ترجمه و میزان کارآمدی آن در انتقال مفاهیم از اهمیت دوچندان برخوردار می‌گردد. در میان متون دینی موجود، قرآن کریم به عنوان معجزه جاودان خاتم پیامبران، حضرت محمد مصطفی (ص)، از ویژگی‌هایی کاملاً متمایز و منحصر به فرد برخوردار است. از آنجا که پرتو این آیات روشنگر از افق‌های وحی بر جهان بشری تابیده است، بدیهی است که از اسلوب و ساختاری کاملاً متفاوت از دیگر متون و در نتیجه، از ابعاد ژرف بی‌شماری برخوردار باشد که با گذر بیش از چهارده قرن، همچنان برای بشر ناشناخته باقی مانده است. بر این اساس، ترجمه در حوزه متون دینی با توجه به اهمیت و نقش اثرگذار آن، بستر مناسبی است برای انجام پژوهش‌هایی نو و درعین حال، روشمند که بتواند راهگشای برخی ابهام‌ها و اشکال‌ها قرار گیرد.

روش تحلیل انسجام متنی بر اساس رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا، یکی از روش‌های نوینی است که به وسیله آن میزان انسجام و پیوستگی ساختار متن و در نتیجه، میزان متنیت آن مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به بررسی‌های مؤلف و نیز با توجه به نو بودن الگوی هلیدی و حسن (۱۹۸۵م.) در ایران، تاکنون هیچ یک از ترجمه‌های قرآن کریم بر اساس این الگو مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته است. لازم به یادآوری است که حتی پژوهش‌های صورت گرفته در متن اصلی سوره‌ها نیز بر اساس این الگو (۱۹۷۶م.) نبوده است. بنابراین با توجه به پژوهش‌ها و تحقیق‌های انجام شده در این زمینه، مقاله حاضر بر آن است تا با توجه به نظریه تکامل‌یافته انسجام

(Halliday & Hasan, 1985; Hasan, 1984)، عوامل انسجام را در ترجمهٔ سورهٔ مبارکهٔ «بینه» از طاهره صفارزاده بررسی کرده است و به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

- بر پایهٔ نظریهٔ انسجام هلیدی و حسن (۱۹۸۵ م.)، انسجام سورهٔ بینه و ترجمهٔ آن (با وجود مضامین متنوع) چه میزان است؟
- عوامل انسجام متن، در سورهٔ بینه و ترجمهٔ آن کدامند؟
- با توجه به نحوهٔ کاربست عوامل انسجام در دو متن مبدأ و مقصد، صفارزاده تا چه میزان از سبک سوره (متن اصلی) پیروی کرده است و تا چه حد در انتقال مفاهیم موفق بوده است؟

۱- نظریهٔ انسجام هلیدی و حسن (۱۹۸۵ م.)

هلیدی و حسن نخست در سال ۱۹۷۶ میلادی ابزارهای آفرینندهٔ انسجام متن را در زبان انگلیسی به سه دسته تقسیم کردند که عبارتند از: ابزارهای دستوری شامل ارجاع (Reference)، جایگزینی (Substitution) و حذف (Ellipsis). ابزارهای پیوندی که عبارت است از حروف ربط (Conjunctives) و ابزارهای واژگانی شامل تکرار (Reiteration) و هم‌آیی (Collocation). آنها در سال ۱۹۸۵ میلادی این تقسیم‌بندی را در اثر مشترک دیگر خود *Language, Context and Text: Aspects of Language in a Social-Semiotic Perspective* گسترش دادند. شکل تغییر یافتهٔ تقسیم‌بندی این دو زبان‌شناس را در جدول ۱ به اختصار نشان داده‌ایم.

هلیدی و حسن (۱۹۷۶: ۴) روابط بین جمله‌ای متن را انسجام متنی (Textual Cohesion) نامیده‌اند و آن را بدین صورت تعریف کرده‌اند: «انسجام، مفهومی معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن می‌پردازد و آن را به عنوان یک متن از غیر متن جدا و مشخص می‌نماید». انسجام به صورت بالقوه در عناصر نظام زبانی همچون ارجاع، حذف، جانشینی و... که درون زبان قرار دارند، نهفته است، اما عینیت یافتن آن در هر مورد، به انتخاب گزینه‌هایی از این عناصر وابسته نیست، بلکه به وجود عناصری دیگر بستگی دارد که به شکل گرفتن «گره» (Tie) و آنگاه ارتباط این عناصر با یکدیگر به صورت «زنجیره» (Chain) منجر می‌شود. آنچه یک عنصر را با دیگر عنصرهای انسجامی مربوط می‌کند، گره نامیده می‌شود؛ «گره که تعبیر دیگری از دو تا بودن است، در بررسی

و تحلیل عوامل انسجام در یک متن، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است» (Halliday & Hasan, 1985: p 73).

بنابراین، به طور کلی به وسیله انسجام می‌توان ارتباط‌های موجود در یک متن را توضیح داد. شایان ذکر است که بر اساس این نظریه و چنان‌که در جدول ۱ می‌بینیم، انسجام در دو حوزه ساختاری و غیرساختاری بررسی می‌شود. همانگونه که پیشتر نیز گفتیم، از آنجا که پژوهش حاضر بر اساس کتاب مشترک هلیدی و حسن در سال ۱۹۸۵ انجام شده است و انسجام غیرساختاری با توجه به عوامل انسجام دستوری و واژگانی در اثر مذکور مورد نظر است، در این مقاله نیز انسجام متن را با این رویکرد تحلیل کرده‌ایم. پیش از شروع تحلیل، لازم است تعریف این عوامل را به صورت مختصر ذکر کنیم.

جدول ۱- خلاصه‌ای از عوامل انسجامی (Halliday & Hasan, 1985:82)
انسجام غیرساختاری (non-structural cohesion)

روابط عناصر سازنده (componential relations)	روابط انداموار (organic relations)
عناصر (device)	رابطه نوعی گره (typical tie relation)
عوامل انسجام دستوری	عوامل انسجام واژگانی
الف. ارجاع (reference): ۱. ضمیری (pronominals) ۲. اشاره‌ای (demonstrative) ۳. حرف تعریف (definite article) ۴. مقایسه‌ای (comparative) ب. جانشینی و حذف (substitution & ellipsis): ۱. اسمی (nominal) ۲. فعلی (verbal) ۳. جمله‌ای (clausal)	۱. پیوندی (conjunctives) ۲. مجاورت جفت‌ها (adjacency pairs): مثال: جوابی که بعد از سوال می‌آید. پذیرش که پس از پیشنهاد می‌آید و...
عوامل انسجام واژگانی	عوامل انسجام ساختاری (structural cohesion)
الف. عام (general): ۱. تکرار (repetition) ۲. هم‌معنایی (synonymy) ۳. تضاد معنایی (antonymy) ۴. جزء و کل (meronymy) ب. نمونه‌ای (موردی) (instantial): ۱. برابری (equivalence) ۲. نام‌گذاری (naming) ۳. تشابه (semblance)	- تمیدی (continuative): مثال: هنوز هم طبقه (co-classification) یا هم گستر (co-extention) هم مرجع (co-reference) یا هم طبقه (co-classification)

الف. توازن (parallelism)
ب. بسط مبتدا-خبر (theme-rheme development)
ج. سازمان‌دهی (اطلاعات) کهنه و نو (given-new organization)

۱-۱) انسجام دستوری

۱-۱-۱) ارجاع

ارجاع عبارت است از اینکه صورت‌های ارجاعی برای تفسیر، به چیزی دیگر پیش یا پس از خود ارجاع داده شوند. ارجاع دو گونه است: یکی ارجاع برون‌متنی (Exophoric Reference) و دیگری ارجاع درون‌متنی (Endophoric Reference). در ارجاع درون‌متنی، مرجع، عنصری است در درون متن. ارجاع درون‌متنی بر اساس موقعیت مرجع نسبت به عنصر ارجاع بر دو نوع تقسیم می‌شود:

الف) ارجاع پیش‌مرجع (Anaphora) که در آن عنصر ارجاع به صورت بسیار صریح و روشن پیش از مرجع (Antecedent) قرار می‌گیرد.

ب) ارجاع پس‌مرجع (Cataphora) که در آن، عنصر ارجاع پس از مرجع خود قرار می‌گیرد.

در توضیح ارجاع برون‌متنی می‌توان گفت وقتی عنصری در متن به موردی خارج از متن اشاره کند و درک آن وابسته به موقعیت و محیط متن باشد، عنصر مورد نظر، از نوع برون‌مرجع است، اما نکتهٔ مهم این است که تنها ارجاع درون‌متنی سبب ایجاد انسجام در متن می‌شود، چون گره‌ها یا روابط انسجام بین جمله‌ها متن را به وجود می‌آورند، در حالی که ارجاع برون‌متنی به تولید متن کمک می‌کند؛ یعنی باعث پیوند متن با بافت موقعیت می‌شود (Halliday & Hasan, 1976: p 31-37).

۱-۱-۲) جانشینی

جانشینی، یکی از انواع روابط انسجامی است که در آن به جای تکرار یک صورت خاص در متن از واژه‌ای دیگر استفاده می‌شود. جانشینی رابطه‌ای بین واژه‌هاست نه معانی. بنابراین، انواع جانشینی به لحاظ دستوری طبقه‌بندی شده‌اند. عنصر جانشین می‌تواند اسم، فعل یا جمله باشد.

۱-۱-۳) حذف

حذف نیز همانند جانشینی، از جمله عوامل مؤثر در ایجاد انسجام در متن است و میان عناصر، رابطهٔ معنایی برقرار نمی‌کند، بلکه رابطه‌ای واژی - دستوری را بنیاد می‌نهد که در آن عنصری

حذف می‌شود. حذف نیز مانند جانشینی بر سه نوع تقسیم می‌شود: حذف اسمی، حذف فعلی و حذف جمله‌ای. بنابراین، عنصر حذف شده می‌تواند اسم، فعل یا جمله باشد.

شیری در این مورد معتقد است که «حذف» ناشی از این واقعیت است که اهل زبان برای ایجاد ارتباط، تنها به واژه‌ها و معنای تحت‌اللفظی آنها متکی نیستند، بلکه به تأثیر بافت و موقعیت متن در ارتباط و انتقال معنی توجه دارند. فرایند حذف خالی گذاشتن جاهایی از متن است که در جای دیگری پُر شده است (ر.ک؛ شیری، ۱۳۸۲: ۱۲). افزون بر این، واقعیت این است که «اصولاً بشر در کاربرد زبان تلاش می‌کند تا با حداقل انرژی، عمل پیام‌رسانی را انجام دهد. البته تا جایی که چنین صرفه‌جویی‌هایی به اصل پیام لطمه‌ای وارد نکند. صرفه‌جویی نوعی اقتصاد زبانی است که حذف یکی از راه‌های آن است (ر.ک؛ البرزی، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

۱-۲) انسجام واژگانی

اینگونه انسجام در نتیجه حضور واژه‌های مشابه و مرتبط به وجود می‌آید و مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معنایی‌شان با یکدیگر دارند. متن به واسطه این روابط، تداوم و انسجام می‌یابد (Halliday & Hasan, 1985: p 310). رقیه حسن (Hasan, 1984: p 201-203) عوامل انسجام واژگانی را به دو دسته عام (General) و نمونه‌ای یا موردی (Instantial) بدین شرح تقسیم کرده است:

۱-۲-۱) انسجام واژگانی عام

مقوله‌های زیر در این مجموعه قرار می‌گیرند:

الف) تکرار (Repetition)

این رابطه هنگامی رخ می‌دهد که واژه‌ای در متن عیناً تکرار شده باشد؛ به عبارت دقیق‌تر، بین دو واژه از نظر آوایی و معنایی تفاوت وجود نداشته باشد. سالکی (Salkie, 1995: p 5) معتقد است: در یک متن، واژه‌های بسیاری وجود دارند که بیش از یک بار تکرار شده‌اند، اما آنچه که سبب انسجام متن می‌شود، تکرار واژه‌های مهم آن است. بسیاری از واژه‌های دستوری (Function Words)، همانند حروف اضافه و حروف ربط ممکن است در متن زیاد مورد استفاده قرار گرفته

باشند، هرچند که این واژه‌ها نیز در انسجام متن تأثیر گذارند، اما در نقش مورد نظر بر این واژه‌ها تأکید نمی‌شود، بلکه فقط واژه‌هایی که به واژه‌های متنی (Context Words) معروف‌اند، در متن دارای نقش انسجامی هستند؛ «به عبارتی ساده‌تر، تکرار عاملی است که طی آن عناصری از جمله‌های قبلی متن در جمله‌های بعدی تکرار می‌شود» (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۸). تکرار دارای قدرت نقشی مهمی است که در تأکید معنایی برخی واژگان متن و در کانون توجه قرار دادن آن نمود می‌یابد. تکرار برخی واژگان نشانگر اهمیت آنها در ساخت معنایی و مؤید محوریت آنها است (ر.ک؛ أحمد فرج، ۲۰۰۷: ۱۰۸).

ب) هم‌معنایی (Synonymy)

این رابطه نوعی دیگر از تکرار است که در آن کلمه‌های مترادف انسجام واژگانی در متن ایجاد می‌کنند. باطنی در شرح هم‌معنایی نوشته است: «استعمال کلمات هم‌معنا در نوشته‌های علمی بسیار نادر است؛ زیرا مفاهیم علمی، دقیق و عاری از هاله‌های عاطفی است که معمولاً کلمات عادی زبان را احاطه نموده است، ولی استعمال آنها در نوشته‌های ادبی و در زبان محاوره فراوان است. گاهی اوقات، غرض از استعمال کلمات هم‌معنا گریز از تکرار یا ایجاد تنوع است، ولی گاهی برای آن است که معنی را روشن‌تر، محکم‌تر و مؤثرتر نماید. در زبان فارسی، تعداد زیادی عبارات و اصطلاحات از طریق دوم ایجاد می‌شوند» (باطنی، ۱۳۷۳: ۲۲۹).

ج) تضاد معنایی (Antonym)

در اینگونه رابطه، واژه‌ها یا واحدهای واژگانی، معنایی متضاد با یکدیگر دارند.

د) شمول معنایی (Hyponymy) یا جزء و کل (Meronymy)

شمول معنایی رابطه‌ای است که میان یک طبقهٔ عام و زیرطبقه‌های آن به‌وجود می‌آید. رقیه حسن (Halliday & Hasan, 1985:p 80-81) در توضیح شمول معنایی نوشته است: «در شمول معنایی، عنصری که در طبقهٔ عام قرار می‌گیرد، فراگیرنده (Superordinate) نامیده می‌شود و عناصری که در زیرطبقه‌های آن قرار دارند، واژه‌های مشمول (Hyponyms) نام دارند». وی در ادامه نوشته است: «جزء و کل (Meronymy) مانند رابطهٔ درخت، شاخه و ریشه است که در این

نمونه، شاخه و ریشه تحت عنوان «هم‌جزء» (Co-Meronymy) در زیرمجموعه درخت به عنوان فراگیرنده، این نوع ارتباط را به وجود می‌آورند».

۲-۲-۱) انسجام واژگانی موردی یا نمونه‌ای

عواملی همچون برابری (Equivalence)، نامگذاری (Naming) و تشابه (Semblance) در این مجموعه قرار می‌گیرند. شایان ذکر است که برای عامل واژگانی موردی نمی‌توان نمونه‌ای خارج از متن به دست داد؛ زیرا در این مورد، مثال‌ها تنها در آن متن عامل انسجامی به شمار می‌روند؛ مثلاً در متنی که عامل انسجامی «او» به شخصی به نام «مریم» ارجاع داده می‌شود، ارجاع تنها در همان متن صورت می‌گیرد، نه در دیگر متن‌ها. به همین سبب، رقیه حسن (Hassan, 1984: p 201) اینگونه عوامل انسجام واژگانی را محدود (مقید) به متن (Text-Bound) دانسته است و معتقد است که اعتبار این عامل به عنوان محصولی مخصوص همان متن است و در نظام زبانی توسعه نمی‌یابد؛ به عبارت دیگر، این عامل تنها در همان متن از طریق بافت زبانی، معتبر است.

۲-۳) گره

همانگونه که پیشتر نیز گفته شد، آنچه مفهوم انسجام را در جمله مستقر می‌کند، گره نامیده می‌شود. گره عنصری از یک جمله را به عنصری در جمله‌ای دیگر مرتبط می‌کند.

۲-۲- روش تحلیل انسجام

پس از معرفی اصول اولیّه این نظریه، لازم است تا روش بررسی انسجام را در یک متن توضیح دهیم. برای نشان دادن انسجام در یک متن، انجام دادن مرحله‌های زیر به ترتیب ضروری است:

الف) تقسیم کردن متن به بندهای تشکیل‌دهنده (جمله‌واره‌ها: Clause).

ب) نوشتن واژه‌های موجود در هر بند بدون در نظر گرفتن حروف ربط، اضافه و... به صورت جداگانه.

ج) یافتن عوامل انسجام واژگانی و دستوری در متن از میان واژه‌های نوشته‌شده (کلّ نمونه‌ها).

د) قراردادن این عوامل در زنجیره‌هایی با عنوان‌های یکسان و مشابه و محاسبه نمونه‌های

شرکت‌کننده در این زنجیره‌ها (نمونه‌های مرتبط).

ه) محاسبه درجه انسجام متن (محاسبه درصد نمونه‌های مرتبط نسبت به کل نمونه‌ها).

۳- تحلیل انسجام در ترجمه سوره بینه

پس از تقسیم آیات به بندها و جدانویسی هر یک از کلمه‌های موجود در این بندها، این کلمه‌ها بر این اساس که جزء کدام یک از عوامل انسجامی هستند و با یکدیگر چه نوع رابطه‌ای دارند، در زنجیره مربوط بدانها قرار داده شد. این عوامل در جدول ۲ نشان داده شده است. بر اساس این جدول، تعداد کل نمونه‌ها ۸۷ مورد است. شایان ذکر است که این عوامل به صورت ستونی و عمودی با یکدیگر ارتباط دارند. در سمت راست این جدول، شماره آیه و شماره جمله را با توجه به شکل تفکیک شده در بخش «ب» مشخص، و آنگاه واژه‌های هر جمله به صورت افقی نوشته شده است. چنانچه مشاهده می‌شود واژه‌های موجود در هر جمله به طور مجزا و افقی کنار هم گذاشته شده است. به عنوان مثال جمله ۱ از آیه ۱ عبارت است از: «به نام خداوند بخشنده رحم‌گستر» که در واقع، بدین صورت بوده است: «من به نام خداوند بخشنده رحم‌گستر آغاز می‌کنم». در این جمله «من» و «نام خداوند» در یک ستون قرار می‌گیرند؛ زیرا منظور از «من» خداوند است و «نام خداوند» نیز از جهت معنایی مربوط و وابسته به واژه «من» است. «بخشنده» و «رحم‌گستر» نیز دو صفت تقریباً هم‌معنا هستند که در کنار هم و در یک ستون نوشته شده‌اند. فعل جمله یعنی «آغاز می‌کنم» نیز در ستونی مستقل قرار گرفته است. در جمله ۳ و ۴ از آیه ۱ نیز که «پسر خدا» تکرار شده است، در یک ستون قرار گرفته‌اند. بنابراین، رابطه دو کلمه «پسر خدا» در جمله ۳ و ۴ از نوع تکرار است. همچنین به عنوان نمونه فعل‌های «آغاز می‌کنم، تلاوت کند، فرمان داده و تأکید کرده بود» به ترتیب در جمله‌های ۱، ۸، ۱۲ و ۱۷ همگی از دیدگاه زبان‌شناسی نقش‌گرا از نوع فعل لفظی یا گفتاری هستند و به دلیل داشتن رابطه جزء و کل با هم، در یک ستون و زیر هم قرار گرفته‌اند. برای تکمیل جدول، لازم است همه جمله‌های تشکیل‌دهنده متن به همین صورت در جدول قرار گیرند.

جدول ۲) عوامل انسجام واژگانی و دستوری در ترجمهٔ سورهٔ بینه

آیه	جمله	لفظی	ذهنی				
۱	۱	نعمت‌بخشده رحمت‌گستر	(آغاز می‌کنم)	به نام خداوند (من)			
۱	۲			کافران اهل کتاب و مسیحیان	اقالیم ثلاثه	معتقد بودند	
۱	۳			مسیح (آنها)	پسر خدا	می‌دانستند	
۱	۴			یهودیان/عز یر	پسر خدا	می‌دانستند	
۱	۵			مشركان مکه	افكار انجراfi خود	دست برنمی‌داشتند	
۱	۶			بر آنان / حجت خدا			
۲	۷			از سوی خداوند/ پیامبری			
۲	۸	تلاوت کند		بر آنها / (او)			
۳	۹						
۴	۱۰			اهل کتاب/ علمای یهود/ ظهور حضرت	دچار اختلاف نظر شدند		
۴	۱۱			ظهور پیامبر اسلام (آنها)	منتظر بودند		
۵	۱۲	فرمان داده		آنان (خدا)			
۵	۱۳	یگانه		خداوند (آنان)			
۵	۱۴			دین خود/ او = خداوند/ (آنان)	خالص گردانند		
۵	۱۵			(آنان)	نماز	بر پا دارند	

بدهند		زکات		(آنان)		۱۶	۵
				(خداوند)	تأکید کرده بودند	۱۷	۵
		اینها				۱۸	۵
			مخالفت کردند	حق (آنها)		۱۹	۵
				کافران اهل کتاب و مشرکان		۲۰	۶
				آنها		۲۱	۶
			ایمان آورده‌اند	کسانی که		۲۲	۷
انجام داده‌اند		کارهای نیک		آنها		۲۳	۷
				آنها		۲۴	۷
				آفریدگارشان		۲۵	۸
		جاری		ن		۲۶	۸
						۲۷	۸
						۲۸	۸
				لطف خداوند		۲۹	۸
				کسانی		۳۰	۸
دوری کنند				نافرمانی پروردگارشان		۳۱	
				ن / (آنان)			
رفتاری			ربطی		وجودی	۳۲	
						۳۳	
						۳۴	
						۳۵	
						۳۶	
						۳۷	
					ظاهر شد	۳۸	
					ظهور کرد	۳۹	
					آیات الهی برگرفته از	۴۰	

						صحیفه‌های مطهر		
						آیاتی/ آنها/ مواعظ و احکام استوار	۴۱	
					نوشته شده است			
					به واسطه حسد، منافع مادی	نزول قرآن	۴۲	
						بر اساس نشانه‌های تورات و انجیل	۴۳	
						در قرآن نیز مانند صحیفه‌های پیشین	۴۴	
							۴۵	بپرستند
							۴۶	
							۴۷	
							۴۸	
							۴۹	
					است	فرمانهای استوار و مشترک ادیان توحیدی	۵۰	
							۵۱	
					در آتش جهنم	جاودانه خواهند ماند	۵۲	
					بدترین آفریدگان	هستند	۵۳	
							۵۴	
							۵۵	
					بهترین آفریدگان	هستند	۵۶	
					پاداش بهترین آفریدگان	باغهای بهشت جاودان	۵۷	
					در آن/ نهرهای	است	۵۸	

	آب						
	در آن (آنان)			جاودانه مقیم خواهند ماند		۵۹	
	آنها	به دست آورده‌اند	خوشنودی خدا			۶۰	
	خودشان		هستند	خوشنود		۶۱	
	این	است	سرانجام و پاداشت			۶۲	

در جدول ۳ عوامل ایجادکنندهٔ انسجام دستوری و واژگانی همراه با زیرمجموعه‌هایشان مشخص شده‌اند تا نوع رابطهٔ آنها به صورت دقیق‌تر بیان شود؛ مثلاً در جدول ۳، «او» در جملهٔ ۱۴ به «خداوند» در جملهٔ ۱۳ اشاره دارد و زیرمجموعهٔ ارجاع به شمار می‌آید یا اینکه ضمیر مستتر «من» در جملهٔ ۱ که در «آغاز می‌کنم» وجود دارد و حذف شده، زیرمجموعهٔ حذف قرار می‌گیرد. همچنین کلمهٔ «پسر خدا» در جمله‌های ۳ و ۴ تکرار شده است. نیز دو کلمهٔ «بدترین آفریدگان» در جملهٔ ۲۱ و «بهترین آفریدگان» در جملهٔ ۲۴ با یکدیگر متضادند. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، از بین عوامل انسجام واژگانی برای هم‌معنایی، تشابه و نامگذاری هیچ نمونه‌ای یافت نشده است.

نمونه‌ها همگی هم‌زنجیره دارند و توانسته‌اند با دیگر نمونه‌ها گره تشکیل دهند. لازم به توضیح است اگر نمونه‌ای باشد که هم‌زنجیره نداشته باشد، باید از جدول ۴ حذف شود.

در جدول ۴ ارتباط عوامل انسجامی به صورت ستونی نشان داده شده است. واژگانی که در جدول ۳ جزء عوامل انسجام دستوری هستند، در جدول ۴ در زنجیرهٔ یکسانی (با علامت اختصاری «ی») مشخص شده‌اند و دیگر واژگان که زیرمجموعهٔ عوامل انسجام واژگانی هستند، در زنجیرهٔ شباهت (با علامت اختصاری «ش») قرار می‌گیرند. این مسأله به ما کمک می‌کند تا دریابیم که هر متن چه میزان از عوامل انسجام دستوری و چه میزان از عوامل انسجام واژگانی را دارا است. در بالای ستون‌هایی که میان واژگان آن، هم رابطهٔ یکسانی و هم رابطهٔ شباهت وجود داشته، علامت اختصاری «ی/ش» نوشته شده است. بر اساس این جدول، تعداد نمونه‌های مرتبط، یعنی عوامل انسجامی هم‌زنجیره، ۱۰۶ مورد است.

جدول ۴) زنجیره‌های یکسانی و شباهت در ترجمهٔ سورهٔ بینه

ایه	جمله ش	ی/ش	ی/ش	ش	ش	ی/ش
1	نعمت بخشنده رحمت‌گستر	(اغلامی کند)		به نام خداوند(ان)		
2				کفران اهل کتاب و مسیحیان	آلیم نسته	معتقد بودند
3				مسیح(انها)	پسر خدا	می دانستند
4				پیوندانی / عزیز	پسر خدا	می دانستند
5				مشرکان همگه/ خورد	افکار انحرافی	نست بر نهمی داشتند
6				بر آنان / حجت خدا		
7				خداوند/ پیامبری		
8		تقویت کند		بر آنها / (از عیبهای)		
9						
10				اهل کتاب/ عبادی پیوسته/ ظهور حضرت	دچار اختلاف نظر شدند	
11				ظهور پیامبر استقامت(انها)	منتظر بودند	
12		فرمان داده است		(ان/خدا)		
13				خداوند(ان)		
14				دین خود/ او خدا(ان)	خالص گردانند	
15				(ان)	نماز	برپا دارند
16				(ان)	زکات	بدهند
17		تکبیر کرده بود		(خداوند)		
18				حق(انها)	مخالفت کردند	
19						
20				کفران اهل کتاب و مشرکان		
21				انها		
22				گندانی که	ایمان آورده اند	
23				(انها)	کارهای نیک	انجام داده اند
24				انها		
25				فریادگاران		
26						
27						
28						
29				بواسطه لطف خداوند		
30				کسانی		
31				نافرمانی پروردگاران(ان)		دوری کنند

جدول ۶) روابط عوامل انسجام واژگانی و دستوری در سوره بینه

عوامل انسجام	ارجاع	ه درعنه (۲۶) الله (۲۵) / ه در ربه (۲۸) الله (۲۵) / هم (۴) أهل الكتاب والمشرکین (۲) / هم (۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴) / أهل الكتاب والمشرکین (۲) / ه (۲۸) خیر البریة (۲۱) / فیها (۷) صحفا مطهرة (۶) / هما (۲۳) جنات (۲۲) / فیها (۲۴) جنات (۲۲)
دستوری	جانمایی و حذف	الله (۹-۱۱) / هم (۳) أهل الكتاب والمشرکین (۲) / هم (۶) أهل الكتاب والمشرکین (۲) / یكون (۵-۱۵-۱۸) / ۲۱-۲۲-۲۷ / تكون (۷) / یكونوا (۱۷-۲۷) / هو (۱۸) / هو (۵-۶) / أبدأ (۱) / أنسا (۱) / هم (۲۴) / ذلك (۱۵) الصلاة (۱۳) / الذین (۸) أهل الكتاب والمشرکین (۲) اولئک (۱۸) أهل الكتاب (۱۶) / اولئک (۲۱) أهل الكتاب (۱۶) / الذین (۱۹) أهل الكتاب والمشرکین (۱۶) / من (۲۷) خیر البریة (۲۱) / ذلك (۱۵) الزکاة (۱۴)
عوامل انسجام واژگانی	تکرار	الله (۱-۵-۱۲-۲۵) / رب (۲۲-۲۸) / هم (۴-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۷-۱۸-۲۰-۲۱-۲۲-۲۵-۲۶) / أهل الكتاب والمشرکین (۲-۱۶-۱۷) / اولئک (۱۸-۲۱) / الذین (۸-۱۹) / بیته (۴-۱۰) / خالدین (۱۷-۲۴) / کفروا (۲-۱۶) / رضی (۲۵) رضوا (۲۶)
	هم معنایی	أنی (۹) جاءت (۱۰) تأتي (۴) /
	تضاد	شر البریة (۱۸) خیر البریة (۲۱) / جنات (۲۲) جهنم (۱۷) / کفروا (۲-۱۶) آمنوا (۱۹)
	جزء و کل	ماتفرق (۸) یؤنوا (۱۴) عملوا (۲۰) یقیموا (۱۳) فرایندهای مادی / لم یکن (۳) فرایند ربطی / کفروا (۱۶) آمنوا (۱۹) رضی (۲۵) رضوا (۲۶) خشی (۲۸) فرایندهای ذهنی / بتلوا (۶) أمر (۱۱) فرایندهای لفظی / تأتي (۴) جاءت (۱۰) أتى (۹) فرایندهای وجودی / الكتاب (۹) کتاب قیمة (۷) / الكتاب (۹) صحفا مطهرة (۶) / صحفا مطهرة (۶) کتاب قیمة (۷) / جنات (۲۲) أنهار (۲۳) / آمنوا (۱۹) خشی (۲۸) / الصالحات (۲۰) الزکاة (۱۴) الصلاة (۱۳)
برابری	رب (۲۸) الله (۲۵) / رب (۲۲) الله (۱۲) / مخلصین: حنفاء (۱۲) خیر البریة (۲۱) / البیئة (۴) رسول (۵) / البیئة (۱۰) رسول (۵) /	
نام گذاری		
تشابه		

جدول (۷) زنجیره‌های یکسانی و شباهت در سوره بینه

آیه	جمله/ش/ی	ی/ش	ی	ی/ش	ش	ی	ش	ی/ش	ش	ی/ش	ش	ی/ش	ش	ی/ش	ش
1	1	بسم الله/فا													
2	1	من اهل الكتاب و المتبرکین													کفروا
3	1	هم/ لم یکن													
4	1	هم/ البینه													
5	2	من الله/ رسول													
6	2	علیهم													
7	3														
8	4	الذین													
9	4	ما تقرئ													
10	4	هم/ البینه													
11	5	هم/ الله													
12	5	الله/هم													
13	5	هم													
14	5	هم													
15	5	هم													
16	6	اهل الكتاب و المتبرکین													کفروا
17	6	هم/ اولئک													
18	6	هم/ اولئک													
19	7	الذین													
20	7	هم													
21	7	هم/ اولئک													
22	8	هم/ جزاءهم / هم/ رب													
23	8	نحری													
24	8	هم													
25	8	عندهم/ اله													
26	8	عند الله/هم													
27	8	هم/ رب													
28	8	رب													

تعداد کل نمونه‌ها: ۹۶؛ نمونه‌های مرتبط: ۹۳؛ نمونه‌های جنبی: ۳؛ درصد نمونه‌های مرتبط

نسبت به کل نمونه‌ها: ۹۶/۸۷٪.

۶- بررسی و محاسبه داده‌های به دست آمده از جدول‌ها

در این بخش بر اساس جدول‌های مربوط به روابط عوامل انسجام در سوره بینه و ترجمه آن به بررسی کمی این عوامل خواهیم پرداخت. با استفاده از روش‌های آماری «توزیع فراوانی و درصد»، بسامد هر یک از عوامل دستوری و واژگانی محاسبه گردیده است و در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۸) توزیع فراوانی و درصد عوامل انسجامی در ترجمه‌ی سوره‌ی بینه

نام	فراوانی / درصد	عوامل دستوری		عوامل انسجام واژگانی						
		ارجاع	جانشینی	تکرار	هم‌معنایی	تکرار و حذف	تکراری	تضاد	نامگذاری	تشابه
ترجمه‌ی سوره‌ی بینه	فراوانی عوامل	۱۸	۳۳	۲۷	-	۶۳	۱۹	۴	-	-
	درصد	۱۰٪	۲۰٪	۱۶٪	-	۴۱٪	۱۱٪	۴٪	-	-
	درصد کلی	۳۱٪		۶۸٪						

جدول ۸ نشان‌دهنده تفاوت در نسبت عوامل دستوری و واژگانی در ترجمه‌ی این سوره است؛ بدین معنا که بسامد عوامل انسجام واژگانی تقریباً دو برابر بسامد عوامل دستوری است. شاید بتوان تفسیری بودن ترجمه‌ی صفارزاده و تلاش وی در آشکارسازی مفهوم آیات را یکی از دلایل این امر تلقی نمود. لازم به ذکر است از میان عوامل دستوری، ارجاع با بسامد ۱۸، جانشینی با بسامد ۱۷ و حذف با بسامد ۱۶، ارقام تقریباً یکسانی را به خود اختصاص داده‌اند. ارجاع علاوه بر انسجام‌بخشی به یک متن می‌تواند توجه خواننده را از راه پیگیری مرجع ضمیر، به محورهای اصلی و فرعی سوره رهنمون سازد. مثلاً بیشترین ارجاع مربوط به اهل کتاب است که محور اصلی سوره قرار دارد و سایر مفاهیم حول آن شکل گرفته است. جانشینی نیز علاوه بر انسجام‌بخشی به متن از تکرار نابجا و غیرضروری در متن که سبب دلزدگی خواننده نیز می‌شود، جلوگیری می‌نماید، همچنان که جایگزینی می‌تواند در ایجاز کلام نیز مؤثر باشد مانند «آن» در جمله ۲۷ که جانشین باغهای بهشت و اوصاف آن در جمله ۲۵ شده است. دو ویژگی مورد اشاره، یعنی ایجاز و خودداری از تکرار نابجا در متونی که جنبه‌ی تعلیمی و تربیتی دارند، از اهمیت دوچندان برخوردار می‌گردد. در واقع، حذف نیز نوعی تکرار است که به جای لفظ و معنا فقط معنا را تکرار می‌کند. بنابراین، حذف نه تنها در متن خلل و شکاف ایجاد نمی‌کند، بلکه ضمن افزودن بر انسجام آن از رهگذر پرننگ‌تر کردن نقش خواننده در درک عنصر حذف و استمرار آن در متن، از دلزدگی و خستگی او می‌کاهد. در میان عوامل واژگانی، جزء و کل و نیز تکرار، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند که با هدف

هدایت‌بخشی و تربیتی متن نیز هماهنگ است. پس از جزء و کُلّ و تکرار، برابری بیشترین بسامد را در میان عوامل واژگانی به خود اختصاص داده است. این عنصر ضمن افزایش انسجام در متن، از طریق ابهام‌زدایی سبب تبیین مفاهیم در ذهن خواننده می‌شود که البته در متون آموزشی از اهمیت بالایی برخوردار است. در مقابل، عوامل هم‌معنایی، نامگذاری و تشابه در متن به کار نرفته است و یا تضاد در بسامدی بسیار پایین به کار رفته است. شاید بتوان دلیل این امر را در مدنی بودن سوره، جستجو نمود، چرا که از نظر محتوایی غالباً سوره‌های مدنی شامل برخی مفاهیم همچون مباحثه با اهل کتاب و مشرکان و یا بیان تکالیف فردی و اجتماعی است که کمتر به تشبیه یا نامگذاری نیاز دارد. با مراجعه به سوره‌های مکی که بیشتر به تبیین اصول عقاید، خداشناسی، اوصاف قیامت، بهشت و جهنم و دعوت به توحید می‌پردازد، مشاهده می‌گردد که از تشبیه یا دیگر آرایه‌های بلاغی به وفور استفاده شده است. افزون بر این، این سه نوع (تضاد، هم‌معنایی، تشبیه) هر سه از ویژگی‌هایی است که برخلاف متون علمی و آموزشی، در نوشته‌های ادبی و در زبان محاوره به وفور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول ۸) توزیع فراوانی و درصد عوامل انسجامی در سورهٔ بینه

نام	فراوانی / درصد	عوامل انسجام واژگانی								
		تضاد	نامگذاری	تشابه	هم‌معنایی	کُلّ و جزء	تکرار			
سورهٔ بینه <td>فراوانی عوامل</td> <td>۷</td> <td>-</td> <td>-</td> <td>۳</td> <td>۲۸</td> <td>۱۰</td> <td>۳۳</td> <td>۲۰</td> <td>۳۵</td>	فراوانی عوامل	۷	-	-	۳	۲۸	۱۰	۳۳	۲۰	۳۵
	درصد	۵.۱۴٪	-	-	۲.۲٪	۲۰.۵۸٪	۷.۳۵٪	۲۴.۲۶٪	۱۴.۷۰٪	۲۵.۷۳٪
	درصد کلی	۵۹.۵۳٪						۴۰.۴۳٪		

با مروری بر جدول ۸ معلوم می‌گردد که همانند ترجمهٔ سوره، نسبت عوامل واژگانی به دستوری در حدّ قابل توجه بالاتر است. از سوی دیگر، در میان عوامل دستوری، ارجاع ۲۰ بار، حذف ۱۸ بار و جانمایی ۸ بار به کار رفته است. از میان عوامل واژگانی نیز تکرار با رقم ۳۳ بار و جزء و کُلّ با رقم ۲۸ بار به ترتیب بیشترین بسامدها را به خود اختصاص داده‌اند و در مقابل عواملی مانند نامگذاری و تشابه در متن به کار نرفته است.

مقایسه نتایج به دست آمده از نحوه توزیع و کاربست عوامل انسجام در سوره و ترجمه آن، حاکی از نوعی همانندی و تشابه است که به تبع آن می‌تواند نشان‌دهنده تبعیت مترجم از سبک متن اصلی سوره باشد. امری که یکی از اصول مهم در ترجمه متن به شمار آمده است و در مقابل عدم رعایت آن می‌تواند منجر به آرایه ترجمه‌ای نابرابر گردد (ر.ک؛ مرامی، امامی و میرحاجی ۱۳۹۰: ۱۴۳). افزون بر این، با مقایسه درصد انسجام در دو متن که در جدول شماره ۱۰ نشان داده شده، معلوم می‌گردد که تعداد نمونه‌های جنبی در هر دو متن مبدأ و مقصد کاملاً برابر است که البته رقمی بسیار پایین است. همچنین نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها در دو متن نیز بسیار نزدیک به هم است. نتایج به دست آمده حاکی از بالا بودن انسجام در هر دو متن دارد.

جدول ۱۰ توزیع فراوانی و درصد نمونه‌ها در سوره بینه و ترجمه آن

نام متن	کل نمونه	نمونه‌های مرتبط	نمونه‌های جنبی	نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها
سوره بینه	۹۶	۹۳	۳	۹۶.۸۷٪
ترجمه سوره بینه	۱۰۸	۱۰۵	۳	۹۷.۲۲٪

نتیجه‌گیری

بر اساس مباحثی که در این پژوهش مطرح گردید، اکنون می‌توان به سؤال‌های تحقیق چنین پاسخ داد:

بر پایه نظریه انسجام هلیدی و حسن (۱۹۸۵م)، انسجام سوره بینه ترجمه آن (با وجود مضامین متنوع) چه میزان است؟
انسجام سوره بینه ۹۶.۸۷٪ و انسجام ترجمه سوره آن ۹۷.۲۲٪ است که رقمی بالا و قابل ملاحظه به نظر می‌رسد.

عوامل انسجام متن، در سوره بینه و ترجمه آن کدامند؟

از میان عوامل انسجام، ارجاع، جانشینی و حذف، تکرار، تضاد، جزء و کل، برابری و هم‌معنایی در متن سوره به کار رفته است.

از میان عوامل انسجام، ارجاع، جانشینی و حذف، تکرار، تضاد، جزء و کل و هم‌معنایی در متن به کار رفته است.

با توجه به نحوهٔ کاربست عوامل، عوامل انسجام در دو متن مبدأ و مقصد، صفارزاده تا چه میزان از سبک سوره (متن اصلی) پیروی کرده است و تا چه حد در انتقال مفاهیم موفق بوده است؟ بالا بودن درصد انسجام و شباهت متن مقصد به مبدأ در نحوهٔ کاربست عوامل انسجام، می‌تواند نشان‌دهندهٔ توفیق مترجم در انتقال مفاهیم باشد.

پی‌نوشت

۱- سورهٔ بینه، نود و هشتمین سورهٔ قرآن کریم در ترتیب مصحف، پس از سورهٔ قدر و پیش از سورهٔ زلزال است که در جزء سی‌ام قرآن کریم قرار گرفته است. بینه به معنای روشن‌کننده و دلیل آشکار است. دیگر نامهای آن البریه، لم یکن، اهل‌الکتاب، الانفکاک، منفکین، القیمة و القیامة است (ر.ک؛ فیض کاشانی، ج ۵، ۱۴۰۲: ۳۵۴). این سوره از سوره‌های مدنی قرآن است که در آن از موضوعات گوناگونی از جمله پافشاری کافران اهل کتاب و مشرکان در کفر و عناد، رسالت پیامبر اکرم (ص)، نزول قرآن، دستور پرستش خدا و برپایی نماز و ادای زکات و سرانجام مشرکان و کافران و پاداش نیکوکاران سخن به میان آمده است.

۲- طاهره صفارزاده (۱۳۸۷-۱۳۱۵) شاعر، پژوهشگر و مترجم قرآن کریم است. وی پس از کسب مدرک کارشناسی در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی، برای ادامهٔ تحصیل به خارج از کشور رفت. در سال ۱۳۷۱ از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، عنوان استاد نمونه به وی اعطا شد و در سال ۱۳۸۰ پس از انتشار ترجمهٔ قرآن به انگلیسی و فارسی عنوان «خادم‌القرآن» را کسب کرد. او در سال ۲۰۰۵ میلادی از سوی انجمن نویسندگان آفریقایی و آسیایی در مصر، به‌عنوان برترین زن مسلمان برگزیده شد. طاهره صفارزاده پایه‌گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکنندهٔ نخستین «نقد عملی ترجمه» در دانشگاه‌های ایران محسوب می‌شود. اگرچه سابقهٔ برگردان آثار ادبی و مذهبی به ۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد، اما تا اوایل سال‌های ۱۹۶۰ میلادی، ترجمه حرفه‌ای ذوقی و غیرآکادمیک به شمار می‌رفت و تدریس آن به برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌های مغرب زمین راه نیافته بود. دانشگاه آیوا بنا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی»، نخستین مرکزی بود که به گنجانیدن این درس در برنامهٔ آموزشی رشته‌های زبان و ادبیات اقدام ورزید. وی در کتاب «ترجمهٔ مفاهیم بنیادی قرآن مجید» به کشف یکی از کاستی‌های مهم ترجمه‌های فارسی و انگلیسی، یعنی عدم ایجاد ارتباط نامهای خداوند (اسماء الحسنی) با آیات قرآن دست یافته است که این تشخیص می‌تواند سرآغاز تحول در ترجمهٔ کلام الهی به زبانهای مختلف باشد. لذا ضمن برنامه‌ریزی زبانهای خارجی، به پیشنهاد او درسی با عنوان «بررسی ترجمه‌های متون اسلامی» در برنامه گنجانده شد و تدریس این واحد درسی موجب توجه این استاد ترجمه به اشکال‌های

معادل‌یابی ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن مجید گردید. این برخورد علمی او را برانگیخت که به خدمت ترجمه قرآن به دو زبان انگلیسی و فارسی همت گمارد. قرآن حکیم حاصل ۲۷ سال مطالعه قرآن مجید، آموختن زبان عربی، تحقیق و یادداشت‌برداری از تفاسیر و منابع قرآنی است که از رجوع به کلام الهی برای کاربرد در شعر شروع شد و با ترجمه آن به دو زبان پایان گرفت. شرح این توفیق در مقدمه کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» و نیز دو مقدمه فارسی و انگلیسی «قرآن مجید» آمده است.

منابع و مأخذ

«قرآن مجید».

آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان انتقادی». چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

أحمد فرج، حسام. (۲۰۰۷م.). «نظریه علم النص». چاپ اول. قاهره: مكتبة الآداب.

البرزی، پرویز. (۱۳۸۶). «مبانی زبان‌شناسی متن». چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر. ایشان، طاهره. (۱۳۸۹). «انسجام در غزل فارسی، تحلیل مقایسه‌ای چند غزل حافظ و سعدی». پایان‌نامه دوره دکتری. تهران: دانشگاه خوارزمی.

باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۳). «زبان و تفکر». مجموعه مقالات زبان‌شناسی. چاپ پنجم. تهران: فرهنگ معاصر.

شمس‌آبادی، حسین. (۱۳۸۰). «تئوری ترجمه و ترجمه کاربردی از عربی به فارسی». تهران: نشر چاپار.

شیری، علی‌اکبر. (۱۳۸۲). «عوامل انسجام در زبان فارسی». رشد آموزش زبان و ادب فارسی. ش ۶۸. صص ۹-۱۵.

فیض کاشانی، محسن. (۱۴۰۲ق.). «تفسیر الصافی». ج ۵. بیروت: بی‌نا.

مرامی، جلال، رضا امانی و حمیدرضا میرحاجی. (۱۳۹۰). «کاربردشناسی اصل تعادل ترجمه‌ای واژگان در فرآیند ترجمه قرآن». نشریه ادبیات و زبانها؛ ادب عربی. ش ۴. صص ۱۶۴-۱۳۷.

Salkie, Raphael. (1995). **Text and Discourse Analysis**. London & New York: Routledge.

Halliday, M. A. K. and Ruqaiya Hasan. (1976). **Cohesion in English**. London: Longman.

. (1985). **Language, Context and Text:**

Aspect of Language in a Social Semiotic Perspective. Oxford: University Press.

- Halliday, M. A. K. (1985). **An introduction to functional grammar**. London: Edward Arnold.
- Hasan, R. (1984). "Coherence and Cohesive Harmony". **J. Flood**. (ed.). *Understanding Reading Comprehension*. I.R.A. Newark: Delaware.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی